

ادبیات مشروطیت

هادی قلیزاده

کارشناس ارشد ادبیات دانشگاه تهران

۱- درآمد

عصر مشروطیت با وجود کوتاهی دوره (از زمان پیروزی انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ فقط پانزده سال فاصله می‌باشد)، تأثیری عمیق و اساسی در بسیاری از امور و مسایل این کشور برجای نهاده است و به گونه‌یی، سرمنشاء بسیاری از تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نیز تغییر در نوع تفکر و اندیشه‌ی جامعه، همین دوران انقلاب مشروطه می‌باشد. یکی از عرصه‌هایی که از این تحولات سیاسی و تاریخی، بیش‌ترین تأثیر را پذیرفته ادبیات می‌باشد. آثار ادبی تجلی‌گاه و آیینی‌های روزگار و عصر خویش می‌باشند- ادبیات عصر انقلاب مشروطیت هم تأثیر زیادی از رویدادهای تاریخی این دوره داشته و تأثیرات فراوان و غیر قابل انکاری نیز بر تاریخ این دوره بر جای نهاده است. در این مقاله سعی گردیده است که به طور اجمال و مختصر به انقلاب مشروطه و تأثیرگذاری ادبیات بر حوادث و رویدادهای آن و نقش شاعران و نویسندگان در تحولات تاریخی این دوره و نیز تأثیر پذیری ادبیات از تحولات تاریخی این عصر و نقش این تحولات تاریخی در دگرگونی در زبان و ادبیات این دوره سخن بگوییم.

۲- فرمان مشروطیت و پیامدهای آن

فرمان مشروطیت پس از یک سلسله مبارزات و جان‌فشانی‌های ملت ایران سرانجام در روز یکشنبه ۱۴ جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۴ هـ. ق مطابق با ۱۳ مرداد ماه ۱۲۸۵ هـ. ش به امضای مظفرالدین شاه قاجار رسید و سرفصل تازه‌یی را در روابط میان حکومت و ملت در تاریخ ایران گشود. این دستاورد گران سنگ محصول بیداری ملت ایران بود که البته عوامل متعدد فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و حتا نظامی در این بیداری نقش داشته‌اند که از مهمترین آن‌ها شکست ایران از روسیه در زمان فتح‌علی شاه قاجار می‌باشد که ضربه‌ی شدید روحی و جسمی برای ایران بود و باعث گردید نوعی انفعال در ایران به وجود آید و این فکر که برای بقا و مقاومت در دنیای جدید باید با افکار و فنون جدید مجهز گردد از همان‌جا نشأت گرفت. سال‌ها بعد یعنی در سال ۱۳۲۳ هـ. ق (۱۹۰۵م) که ژاپنی‌ها بر روس‌ها غلبه کردند این انفعال و شرمندگی در ایران بیش‌تر گردید و ملت گناه تمام این عقب‌ماندگی‌ها را به گردن حکومت استبدادی خود انداخت و این تصور در میان ملت ایران رواج یافت که عامل تمام پیشرفت‌های ژاپنی‌ها- که آن‌ها نیز با

ایران هم قاره بودند- در این مدت کوتاه حکومت مشروطه‌یی ست که سال‌ها در ژاپن استقرار یافته است.

علاوه بر این رفت و آمد ایرانیان به کشورهای اروپایی و آشنایی با علوم و فنون و تحولات جدید اروپاییان، اعزام محصل به اروپا- که اولین گروه از دانشجویان ایرانی در سال ۱۲۳۰ هـ. ق به دستور عباس میرزا به انگلستان اعزام گردیدند- ورود چاپ‌خانه به ایران^۲ انتشار روزنامه^۳، تاسیس دارالفنون و ایجاد تلگراف‌خانه و... مجموعه عواملی ست که باعث گردید اندک‌اندک افکار و اندیشه‌های جدید اروپایی آهسته آهسته در ایران رسوخ نموده و چهره‌ی فرهنگی جامعه ایران را در آستانه‌ی مشروطیت کاملاً تغییر دهد. در این میان نقش روزنامه‌ها که به عنوان مهم‌ترین رسانه‌ی آن روز اخبار و اطلاعات و نیز افکار اندیشمندان و تحصیل‌کردگان جامعه را در کوتاه‌ترین زمان ممکن در اختیار مردم قرار داده و ضرورت تغییر در بافت فرهنگی و سیاسی ایران و آشنایی مردم با پدیده‌های نو را یادآوری می‌نمودند، بسیار عظیم و غیر قابل انکار می‌باشد. ادوارد براون در این زمینه می‌نویسد که: «عمده عامل نهضت انقلابی بدون هیچ گمان روزنامه‌ها بودند که منادی شکایات و مظهر عدم رضایت و نفرت عامه از اصول اداره‌ی موجود شمرده می‌شدند و در میان آن‌ها صرف نظر از اختر که بالنسبه اعتدالی بود، روزنامه قانون مقام اول را حائز است و بعد از آن روزنامه‌های ثریا و پرورش است که نفوذ عظیمی در افکار داشتند، حتا نتایج حاصله از تأثیر آن‌ها خیلی عمیق‌تر و وسیع‌تر از قانون بود و طی سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ قمری (۱۸۹۸-۱۹۰۱ میلادی) انقلاب فکری عظیمی در میان جوانان پدید آورد.

انقلاب مشروطیت زودتر از آنچه انتظار می‌رفت به پیروزی رسید و از این رو نتوانست پختگی لازم را بیابد و با مرگ مظفرالدین شاه و به قدرت رسیدن پسرش محمدعلی شاه و پس از گذشتن اندک زمانی از رویش جوانه‌های امید در دل ملت ایران در روز سه‌شنبه ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ هـ. ق مصادف با دوم تیرماه ۱۲۸۷ هـ. ش یعنی کمتر از دو سال پس از صدور فرمان مشروطیت مجلس شورای ملی به توپ بسته شد، و سکوتی مرگ‌بار در تهران حکمفرما گردید و گل‌های زیبای آزادی و مشروطیت نشکفته پژمردند. اما ملت آزادی‌خواه از پای ننشست و کانون مبارزات آزادی‌خواهی از تهران به شهرستان‌ها منتقل گردید و آزادی‌خواهان شهرهای تبریز، رشت، اصفهان و ... از

پای نشستند و با جان فشانی های خود، خونی دوباره در رگ های ملت دمیدند و سرانجام توانستند با فتح تهران در روز جمعه ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ هـ. ق (مصادف با ۲۵ تیر ماه ۱۲۸۸ هـ. ش) و با تشکیل مجلس عالی فوق العاده مرکب از نمایندگان مجلس و بزرگان پایتخت و آزادی خواهان معروف در بهارستان، پادشاه مستبد را از سلطنت خلع نموده و فرزند نوجوانش را که بیش تر از ده سال نداشت به عنوان احمدشاه بر تخت بنشانند و پس از پشت سر گذاشتن این مرحله از مبارزات ملی و مردمی بود که مشروطه ی جوان پا گرفت و تأثیر خود را در همه ی عرصه ها و امور نمایان ساخت.

۳- ادبیات عصر مشروطیت

انقلاب مشروطیت هم چنان که در همه ی امور مملکت تأثیر عمیق خود را برجای نهاد در ادبیات نیز باعث چنان تحولی گردید که به جرأت می توان گفت که در همه دوره های تاریخ ادبیات فارسی تا آن روز بی سابقه بوده است. این تحول به قدری عمیق و اساسی است که باید بگوییم که در دوران معاصر مهم ترین دگرگونی اجتماعی که تحول در تفکر و در نتیجه به تغییر سبک شعر نیز انجامیده است انقلاب مشروطه می باشد.

این تغییر و تحول در ادبیات در دو عرصه ی شعر و نثر بوده است که به تفکیک و البته با رعایت اختصار به بررسی آن می پردازیم:

۱-۳- شعر

آغاز قرن سیزدهم با انتقام جویی های آقا محمدخان مقارن است. او دوران حکومتش را بیش تر در سرکوب مردمان و جنگ با یاجیان گذراند و مجالی جهت توجه به علم و ادب نیافت. در دوران ۱۸ ساله ی سلطه ی او به هیچ شاعر یا ادیبی بر نمی خوریم که منتسب به دربار او باشد. اما بعد از روی کار آمدن فتحعلی شاه قاجار دربار او محل خوبی برای گرد آمدن شعرای مداح گردیده و جهت مدیحه سرایی بیش تر به اشعار شاعران قرن پنجم و ششم تمایل یافت و شاعران در صدد آجیای دربار غزنویان و سلجوقیان با آن شعرای متعدد برآمدند. این شیوه ی سرودن شعر با مضامین مدحی ادامه داشت تا این که با ظهور انقلاب مشروطیت نگرشی نو در ادب فارسی و مخصوصاً در شعر پدیدار شد. هم چنان که پیش از این گفتیم ادبیات و مخصوصاً شعر آینه یی است که واقعیت های روزگار را به خوبی می نمایاند. در این دوره در همه ی شؤون اجتماعی تغییرات اساسی روی داد و این تغییرات در آثار ادبی و مخصوصاً شعر انعکاس و نمود پیدا نمود. بنابراین باعث تحول و تغییر در شعر مخصوصاً از حیث محتوی گردید و شعر این دوره مانند دیگر مظاهر اندیشه و فرهنگ به مردم روی آورد و انعکاس ارزش های اجتماعی را وجهه ی همت خود قرار داد. بنابراین این شعر این دوره دیگر پدیده یی تجملی و منحصر به گروه هایی محدود نبود، بلکه پدیده یی عمومی و متعلق به آحاد جامعه بود که به جای سخن گفتن درباره ی سلیقه ها و خواسته های درباریان و طبقات بالای جامعه، از طریق مطبوعات متعدد و رنگارنگ و با

محتوای سیاسی و انقلابی مورد علاقه همگان، مخاطبان راستین خود را در گوشه و کنار شهرستان ها و حتا روستاهای کشور سراغ می گرفت. در این دوره شعر و تهییج احساسات مردم جهت روی آوردن به انقلاب نقش بسیار مؤثری داشت شاعران اشعار انقلابی خویش را در اختیار مردم می گذاشتند. سادگی و روانی این اشعار سبب می شد که مردمان اشعار را به فوریت حفظ کنند و این امر شور انقلابی را در آنان تشدید می کرد.

آهای آهای نسیم شمال مثال شیر ارژنه
گاهی زنی به مسیره و گاهی زنی به میمنه
زلزله ها فکنده ای به کوه و دشت و دامنه
آسته برو آسته بیا که گربه ساخت نزنه

اول بگو برای من تو کیستی چه کاره ای
مقابل سخنوران تو طفل شیرخواره ای

.... ز زارعین رنجبر باز هم حمایت می کنی

ز ظالمان مفتخور باز هم شکایت می کنی

ز عهد شاه و زوزک باز هم حکایت می کنی

طعنه ز شعر خود زنی بصاحب طنطنه

آسته بیا آسته برو که گربه ساخت نزنه

نسیم شمال ز شعر تو تمام تعریف می کنن

از زن و مرد مملکت ز ذوق توصیف می کنن

خیلی حرارت منما نسیم رو توقیف می کنی

بهر حرارت بخور آب و انار و هندونه

آسته بیا آسته برو که گربه ساخت نزنه...

نسیم شمال

ملاحظه می گردد که شعر فوق تا چه حد عامیانه بوده و از زبان رسمی فاصله گرفته و به زبان مردم کوچه و بازار نزدیک شده است به این طریق اشعار این شاعران بر سر زبان ها می افتاد و به راحتی توسط مردم به ذهن سپرده می شد.

شاعران آزادی دوست این زمان با مسائل تازه یی در زندگی سیاسی و اجتماعی روبه رو شده بودند و می بایستی شیوه ی نویی برای بیان آن بیابند. قیام برای کسب آزادی کشمکش با عمال استبداد، فتح و شکست هایی که پی در پی در این زمینه حادث می شد، هیجان آمیزترین موضوع برای شعر بود. «در هیچ دوره یی از تاریخ ادبیات فارسی، شعر این قدر با سیاست آمیخته نشده و به مأموریت خود برای ایجاد تحول در نظام اجتماعی، آگاهی نیافته بود. شعر این دوره از حیث سادگی و خلوص، دوران طلوع شعر فارسی یعنی عصر سامانی را به یاد می آورد، هر چند از نظر انسجام و طراوت، آن را با آثار آن زمان شباهتی نیست. شعرهای این زمان، اکثراً بدان گونه است که فرانسویان شعر مقتضیات نامیده اند.

Poesie de cir constances یعنی شعری که زاینده حوائج و وقایع زمان است.

به طوری کلی می توان گفت که در این دوره نگرش شاعران و نویسندگان نسبت به جهان بیرون دگرگون شد و شاعران در یک

برخورد پویا مجموعه‌ی حیات را به منزله‌ی واقعیتی ملموس و هدفمند در نظر می‌گرفتند.

سبک و قالب‌های شعری دوره مشروطیت

پیش از این گفتیم که انقلاب مشروطیت تحول عظیمی را در ادبیات فارسی ایجاد نموده و باعث اقبال شاعران این دوره به مفاهیم و مضامینی غیر از آنچه که در قدیم بوده است گردید؛ اما باید توجه داشته باشیم که اشعار شاعرانی مانند ادیب‌الممالک فراهانی، ایرج میرزا، حیدرعلی کمالی، ملک‌الشعرا بهار، عارف قزوینی، فرخی یزدی، میرزاده‌ی عشقی و ... اگر با شعر قدیم تفاوت یافته نه از لحاظ قالب که صرفاً به اعتبار زبان خاص دوره‌ی مشروطیت، و بیان مضامین جدید بود که به خلاف ادوار قبل از یک من اجتماعی جریان می‌گرفت. به جز

میرزاده‌ی عشقی و ابوالقاسم لاهوتی که به تغییرات جزئی در قالب نیز توجه داشتند و یا یحیی دولت‌آبادی که در یافتن وزن جدید کوشش داشت. سایر شاعران این دوره به تغییر در مضامین و مفاهیم توجه وافر نشان دادند و با استفاده از ساده‌ترین قالب‌های شعری همچون مثنوی به انتقاد از اوضاع اجتماعی و آداب عصر خود پرداختند و حتا کسانی مانند عارف قزوینی و فرخی یزدی مشهورترین و معمول‌ترین نوع شعر یعنی غزل را که تا آن زمان خاص مفاهیم غنایی و عشقی بود، برای بیان احساسات وطنی و ملی خود برگزیدند. و به این ترتیب بود که اندک‌اندک لغات و اصطلاحات مختلف دوران مشروطیت که به اقتضای شرایط خاص زمان، زبان سیاسی و اداری و اجتماعی آن روز شده بود، در شعر راه یافت و رفته رفته

به حد افراط رسید. تا آن جا که حتا برای مفاهیم غزلی نیز لغات و اصطلاحات فرنگی یا ترجمه‌ی آن‌ها یا لغات و اصطلاحاتی که به اقتضای تشکیلات جدید سیاسی و اداری وضع شده بود، به کار گرفته شد.

بگو به هیات کابینه‌ی سر زلفش

که روزگار پریشان ما ز دست شماست

عارف قزوینی

به طور کلی شعر دوران مشروطیت دو مسیر جدا و کاملاً متفاوت را در پیش گرفت گروهی مانند ملک‌الشعرا بهار و ادیب‌الممالک فراهانی و ... که به خاطر پیوند دیرینه‌شان با سنت‌های ادبی ایران از زبان فاخر و پُرصلابت گذشته که متکی بر عروض و سنن موسیقایی شعر فارسی بود استفاده می‌کردند و بسیار نیز به آن پای بند بودند. عده‌ی دیگر مانند سیدشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال)، میرزاده‌ی عشقی و عارف قزوینی که با موازین ادب گذشته انس چندانی نداشتند زبان کوچه و بازار را برگزیدند و با صمیمیتی که در این طریق از خود نشان می‌دادند از قبول عام برخوردار شدند.

در میان این شاعران غیر از بهار و ادیب‌الممالک هیچ‌کدام از فصاحت کلام و آراستگی بیان برخوردار نبوده‌اند و مقدمات و فنون شاعری را بدان گونه که رسم زمانه بود نیاموخته بودند حتا شعر آنان گاه به گاه سست و نارساست؛ و این خود یکی از معایب نزدیک شدن شعر و به طور کلی هنر به زبان عامه است که از دید فنی باعث تنزل و به اصطلاح سیر قهقرایی آن می‌گردد. هم‌چنان که در شعر مشروطیت شاهد این تنزل هستیم و اشعار سنجیده و کلام استوار در این دوره نمی‌بینیم و یا بسیار اندک به آن برمی‌خوریم. اما با وجود این شعرهای مردمی این دوره دارای چنان روح و سوز و حال و صدقتی است که بیش‌ترین تأثیر و بالاترین نقش را در دمیدن روح مبارزه‌جویی در کالبد جامعه ایفا می‌نماید و شعر در خدمت سیاست و اجتماع قرار

گرفته و به عنوان وسیله‌ی برای بیدار نمودن جامعه به حساب می‌آید. و البته انصاف این است که به جای نقد فنی و زیبایی‌شناسی به نقد اجتماعی از شعر این دوره بپردازیم.

از نظر قالب‌های شعری شاعرانی مانند بهار و ادیب‌الممالک به قالب‌های قصیده و غزل و مثنوی متمایل گردیدند و شاعرانی مانند عارف قزوینی و نسیم شمال که به زبان کوچه و بازار متمایل بودند به قالب‌های نوتر مانند مستزاد، مخمس و دوبیتی‌های پیوسته و حتا ترانه و تصنیف اقبال و توجه بیش‌تری نشان دادند. و میرزاده عشقی «سه تابلوی مریم» را سرود که می‌توان آن را جزء اولین تجربه‌های نمایش‌نامه‌ی شعر فارسی محسوب داشت که خود شاعر نیز آن را «دییاجه‌ی انقلاب ادبیات ایران» می‌نامد.

مضامین و درون‌مایه‌های شعر مشروطیت

درون‌مایه‌های شعر مشروطیت بسیارند ولی اغلب آن‌ها را می‌توان تحت چند عنوان کلی جای داد و تقسیم‌بندی نمود. نکته‌ی که در این جا نباید از نظر دور داشت این است که «اغلب این مضامین تحت تأثیر شعر اروپایی و ترجمه‌هایی که از آثار شعرایی مانند ویکتور هوگو و لافونتن و لامارتین صورت گرفته بود قرار داشت.»^۶

الف- وطن

ب- آزادی

ج- بیداری شرق

د- تعلیم و تربیت نوین

ه- قانون

و- توجه به علوم و فنون جدید

ز- توجه به مردم

ح- توجه به ایران باستان و فکر تجدید حیات تاریخی

در ارتباط با مضامین فوق‌الذکر باید گفت که این موارد در گذشته در

آثار ادبی جلوه چندانی نداشت‌اند و اگر هم به مواردی از آن‌ها در گذشته

برمی‌خوریم با آن‌چه که در این دوران آمده تفاوت اساسی دارد و در هر حال ظهور این مضامین با این شیوه، خاص ادبیات دوره‌ی مشروطیت می‌باشد.
مرکز مهم ادبی

پیش از این گفتیم که از زمان فتحعلی‌شاه قاجار، تهران به‌عنوان پایتخت، مهم‌ترین مرکز شعر و هنر مملکت درآمد بود. در این دوره نیز بیش‌ترین فعالیت‌های سیاسی و مطبوعاتی در تهران متمرکز بود و حوزه جغرافیایی شعر و ادب بیش‌تر به تهران منحصر می‌گردید. پس از آن نیز گیلان به‌خاطر این که دروازه‌ی اروپا لقب گرفته بود و به‌خاطر رفت و آمدهای بی‌شمار از این خطه مردم این دیار با افکار و اندیشه‌های اروپایی بیش‌تر آشنایی یافته بودند، دارای شور و تحرک ادبی خاصی شده بودند و روزنامه‌ی معروف نسیم شمال که بیش‌ترین تأثیر را در پیش‌برد انقلاب مشروطیت در تهران و سایر نقاط کشور داشت، در شهر رشت توسط سیدشرف‌الدین گیلانی منتشر می‌گردید. از معروف‌ترین شاعران انقلابی دوره مشروطیت که شعرشان کاملاً رنگ و بوی انقلابی داشت باید از سید اشرف‌الدین گیلانی، عارف قزوینی، میرزاده‌ی عشقی و ابوالقاسم لاهوتی نام ببریم که شعرشان به عامه مردم نزدیک بوده است. در این میان شاعرانی چون ملک‌الشعرای بهار و ادیب‌الممالک فراهانی و علی‌اکبر دهخدا و ایرج میرزا و وحید دستگردی علاوه بر رعایت دقیق سنت‌های شعر کهن فارسی به مسائل زمان خود نیز توجهی وافر داشتند و به انتقاد از اوضاع اجتماعی و آداب عصر خویش پرداختند. در این میان شاعران مشهور دیگری هم چون ادیب نیشابوری و شوریده‌ی شیرازی هستند که در شعر آن‌ها رنگ و بوی مشروطه‌خواهی احساس نمی‌شود و گویی که «طوفان انقلاب از بالای سر آن‌ها نگذشته است».^۷

در کنار این شاعران افرادی مانند خامنه‌ای، تقی رفعت، شمس کسمایی و نیمایوشیح را باید متجددین و سنت‌شکنانی دانست که می‌کوشیدند در شعر فارسی از جهت شکل و قالب تحول ایجاد نمایند.^۸

۳-۲- نثر دوره‌ی مشروطیت

نثر فارسی با وجود این که از آغاز نثری ساده و روان و دل‌نشین بود که از نمونه‌های این نثر ساده و روان می‌توانیم به آثاری چون تاریخ طبری، تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی و ... نام ببریم، اما رفته رفته راه خود به‌سوی دشواری و دیرپای شدن پیمود و به‌گونه‌یی که به نثر متکلف و مصنوع در قرن‌های هفتم و هشتم انجامید و در آثاری مانند نغمه‌المصدور از عزیزالدین زیدی نسفی به نهایت دشواری یا پیچیدگی رسید. و همین راه دشوار و مغلق را با صلابت تا دوره‌ی نادری ادامه داد به‌گونه‌یی که در عهد نادرشاه افشار نویسندگانی مانند میرزا مهدی‌خان استرآبادی- که منشی مخصوص پادشاه بود- با نوشتن کتاب‌های پُرتکلف و ثقیلی چون دره‌ی نادره و جهان‌گشای نادری از مرزهای نثر فنی فارسی در اوج خود پاسداری کردند. از طرف دیگر از عصر صفویه به بعد نویسندگانی مذهبی برای مخاطبان عوام خود شیوه‌یی ساده را برگزیده بودند، اما آن شیوه هم از بس که به موازات درست نویسی بی‌توجه بود، خود موجبات فساد

دیگر در نثر فارسی را فراهم آورد. عوامانه‌شدن نثر فارسی از یک طرف و در آمیختن آن با الفاظ و تعبیرات تازی سبک نویسندگی فارسی را به شدت زیر تأثیر داشت و زبان فارسی را بویژه در قلمروی نوشته‌های تاریخی و دیوانی فاسد و بیمارگونه می‌کرد به‌گونه‌یی که آثار آن بیماری و فساد زبان تا آستانه نهضت مشروطیت نیز ادامه داشت با ظهور انقلاب مشروطه، انقلابی عظیم در ادبیات فارسی چه در نظم و چه در نثر برپا گردید و نثر فارسی نیز به‌سوی سادگی و روانی روی آورد و هم‌چون نظم از اختصاص داشتن به یک طبقه یا گروه محدود رها شده و در خدمت اجتماع قرار گرفت.

البته زمینه‌سازی واقعی برای رهایی نثر فارسی از مغلق‌نویسی و حاشیه‌پردازی و اطناپ- که مانند علف‌های هرزه‌یی بر دست و پای نثر دوره قاجاریه پیچیده بود- اندکی قبل از زمان مشروطه و با همت و ذوق قائم مقام فراهانی توانست با قوه‌ی فصاحت و بلاغت و در پرتوی استعداد و ذوق ادبی خود سبک تازه‌یی در نویسندگی فارسی پدید آورد. سبک نویسندگی قائم مقام که تا آن زمان سابقه‌ی چندانی نداشت هم به‌علت استواری و هم به‌علت مقام عالی صاحب آن مورد علاقه واقع شد و زمینه را برای انتقال به نثر ساده به‌معنای کامل آن فراهم ساخت. با انقلاب مشروطه این تحول و دگرگونی به‌سوی ساده نویسی به کمال رسید و انقلاب واقعی در نثر فارسی پدید آمد.^۹

فراوانی روزنامه‌ها و انتشار روزانه‌ی آن‌ها و در نتیجه نبود فرصت کافی برای دقت لازم و ویرایش در آن‌ها و ... باعث گردید که زبان نثر این عصر در عین سادگی و دور شدن از ابهام دچار نوعی انحطاط و فساد نیز گردیده و از اصول و فنون نویسندگی و رعایت قواعد زبان تا حدود زیادی فاصله بگیرد و نیز باعث گردید که تا حدود زیادی لغات فرنگی وارد زبان فارسی شود. اما با وجود این انحطاط زبانی از آن‌جا که هدف واقعی از هر نوعی نوشتاری بیان خواسته‌ها و احساسات نویسنده و ایجاد ارتباط با مخاطب است و از آن‌جا که نثر دوره‌ی مشروطه نیز- مخصوصاً مقاله‌های روزنامه‌ها- در زمینه‌ی ایجاد ارتباط با مخاطب و نیز در برانگیختن احساسات آن‌ها بسیار موفق عمل کرده است، باید بگوییم که علی‌رغم همه‌ی این کاستی‌های نثر این دوره، انقلاب مشروطه در تحول نثر فارسی و سوق دادن آن به سوی سادگی و کمال، نقش انکارناپذیری داشته است که آثار آن تا به امروز نیز در نثر فارسی باقی مانده است.

استاد بهار در این زمینه چنین می‌گوید که: صراحت لهجه و شجاعت ادبی، ایجاز و اختصار مطلوب، حذف بسیاری از مترادفات، از میان رفتن بسیاری از کنایات و استعارات و ... همه از برکت این انقلاب عمومی پدید آمد. لغات علمی از اجتماعی و سیاسی و اداری و اخلاقی که به‌هیچ‌وجه سابقه نداشت، به‌وسیله‌ی ترجمه یا بعین لفظ پیدا شد مانند: پارلمان، مجلس شوری، وکیل، حزب، آزادی و تمدن و ...

از دیگر تحولات نثر این دوره تغییر اساسی در موضوع و محتوای نوشته‌ها می‌باشد که باعث ورود مسایل مربوط به واقعیات زندگی،

دردهای اجتماعی و بحث درباره ی دولت و حکومت و اندیشه‌های نوین اجتماعی در نثر این دوره گردیده است.

طنز و لطیفه‌های اجتماعی نیز در آثار منشور این دوره افزایش چشم‌گیری یافت به گونه‌یی که پس از گذشت حدود پانصد سال از عصر عبید زاکانی و عدم ظهور طنزپردازان بزرگ و پدیدآمدن آثار طنزآمیز مهم، بار دیگر در عصر مشروطه، طنزنویسی اهمیت و جایگاه خاص خود را پیدا نموده و طنزنویسان بزرگی در این زمینه پدید می‌آیند که سرآمد همه‌ی آن‌ها علی‌اکبر دهخدا می‌باشد که مقاله‌های طنزآمیز خود را با عنوان چرند و پرند و با امضای مستعار دخو، خرگس، خادم الفقرا و ... در روزنامه‌ی صور اسرافیل منتشر می‌ساخت. مجموعه مقاله‌های طنزآمیز دهخدا را باید آینه‌ی تمام‌نمای اوضاع اجتماعی آن روز ایران به حساب آورد که دهخدا در آن با هوشیاری، دلیری، صداقت و صمیمیتی شگفت‌انگیز با سلاح طنز و تمسخر به جنگ مفلسد و ناپسامانی‌های اجتماعی زمان خود می‌رود و از فقر و بیناد و وطن‌فروشی برخی از رجال دولت و ... سخن می‌گوید.

۴- نتیجه

پس از بیان خصوصیات کلی ادبیات (نظم و نثر) دوره‌ی مشروطیت می‌توان رویدادها و حوادث دوره‌ی مشروطیت را در آینه‌ی ادبیات بهتر نگریست. در این راستا آثار گوناگون نظم و نثر عصر مشروطیت خود بازگوکنند بسیاری از حوادث کوچک و بزرگ این عصر در سیمایی ادیبانه- با اختصاصات ادبیات مشروطیت- می‌باشد. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- البته باید گفت که برخی مکاتب ادبی در این زمینه دیدگاه‌های دیگری را ارائه می‌نمایند به‌عنوان مثال در مکتب ادبی پاراناس یا هنر برای هنر Art for Art عقیده بر این است که هنر فقط باید زیبا باشد مانند گل و ... اینان در نقد آثار هنری به دوره‌یی که موجب پیدایش این آثار گردیده است هیچ‌گونه توجهی ندارند. (برای اطلاعات پیش‌تر رجوع شود به نقد ادبی، دکتر زرین کوب، ج ۱، ص ۲۲۶ به بعد). ۲- نخستین ماشین چاپ در سال ۱۱۹۶ ه. ش. نیز در زمان عباس میرزا به ایران آورده شد. ۳- نخستین روزنامه در ایران توسط میرزا صالح

شیرازی در سال ۱۲۵۳ ه. ق. منتشر شد. از صبا تا نیما، جلد اول، ص ۲۳۶. ۲- تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ص ۱۵۵. ۵- پیش از این دوران در زمان صفویه و در سبک هندی نیز البته با تفاوت فراوان اتفاقی مشابه همین دوران رخ می‌دهد یعنی در آن زمان نیز فاصله گرفتن شعر از دربار و نزدیک شدن آن به عوام باعث تنزل و حتا ابتتال شعر گردید.

۶- جام جهان‌بین، دکتر علی اسلامی ندوشن، ص ۱۵۸. ۷- از صبا تا نیما، یحیی آریز، ج ۲- ص ۱۳۱ و ادبیات معاصر ایران، سیدحسن امین، صص ۶۲-۹۲. ۸- ۱۳۵-۱۰۸. ۸- امین، همانجا و ادبیات معاصر ایران، ابراهیم دلیری مالوانی، ج ۱- ص ۱۲. ۹- امین، همانجا، صص ۲۲-۱۰۶. ۱۰- سبک‌شناسی، ج ۳- ص ۲۰۶.

ماده تاریخ فوت استاد سیدعلینقی امین

علی صدری (ناایب‌الصدر افشار ارموی)

شاعران معاصر از چهارگوشه‌ی ایران، برای زنده‌یاد استاد سیدعلینقی امین متخلص به ابن‌امین، چندین ماده تاریخ ساخته‌اند که بهترین آن‌ها از نظم‌ی تبریزی است: «ای دریغ ابن امین»: ۱۳۷۹. اینک ماده تاریخی دیگر به صنعت «جمع و خرج»:

چنین خوانده‌ام: رحمت‌العالمین
ز نوع بشر، اول و آخر است
یقین دان که احفاد او نیز هم
چنان که علی نایب بر حقش
اگرچه به نزدیک دنیاپرست
ولی، حق بداند که ناحق، ستم
و ایضاً، امامان معصوم نیز
شد ایدون، به ملک بقا رهسپار
همی گفت لبیکه بر امر حق
بود جاودان، نام نیکوی او
زهی وی که کان مروت بدی
حدیث ورخ، ثقل تقوای او
بدی پارسایی عجین با (امین)
به تصنیف و تالیف و تحقیق او
به تاریخ (ارزنده‌ی) سبزواری
ببینی که ایشان در این راه صعب
به (فقه) و به (حکمت) نبودش همال
دریفا که شش سال شد اسپری
به رحمت چه منت نهاده است او
مبادا رود زحمت او به یاد
که (رحمت) به یک نقطه (زحمت) بود
عزیزی که عمر عزیزش همه
ز دنیا، که زندان مومن بود
چو مرغ بهشتی از این آشیان
غربیی که دور اوفتاد از وطن
چو بگشود پر، جانب آشیان
به تاریخ او (صدری) نکته‌سنج
چنین گفت از بهر تاریخ او
(جدا) شد چو از جمع ما خاکیان

که عمرش، به ارشاد امت برفت
که با عزت آمد، به عزت برفت
همان بر طریق نبوت برفت
که نامش به تخت نیابت برفت
ز دنیا به سلک قناعت برفت
به شاه سریر ولایت برفت
همه با همین شکل و هیات برفت
«امین» کو به راه امانت برفت
از او چون که کردند دعوت، برفت
که او، بر طریق مروت برفت
فری او که اینش به خلقت برفت
به افواه خلق و جماعت برفت
که بشرشته‌اش، در طبیعت برفت
همیشه به راه حقیقت برفت
ترا گر که چشم عنایت برفت
به باریکی آمد، به دقت برفت
که حکمش به فتوای حکمت برفت
که جانش به اقلیم رحمت برفت
که رحمت از او، زیر منت برفت
که این بس بعید از فتوت برفت
مباداش، ببینی، زحمت برفت
به تعلیم و تحقیق و طاعت برفت
به عقبی، از این دار محنت برفت
بزد بال و پر، سوی جنت برفت
دوباره، وطن را، ز غربت برفت
به جنت، به قصد اقامت برفت
چو در زیر بار مشقت برفت
که با (جمع و خرج)، این صناعت برفت:
بگفتا (نقی) سوی جنت برفت
۱۳۷۹ = (۸=جدا) + ۱۳۷۱ = نقی سوی جنت برفت